

نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی ایالات متحدہ آمریکا

بهادر نوکنده^۱، امیر هوشنگ میرکوشش^۲، محمد فاضل صدری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

چکیده:

سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر بر نقش کلی اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری تأکید داشتند، این پژوهش به طور خاص به میزان و شیوه‌های نفوذ اندیشکده‌های آمریکایی در سیاست خارجی پرداخته است. منابع اطلاعاتی شامل مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و مستندات مرتبط با عملکرد اندیشکده‌ها در سیاست خارجی این کشور است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشکده‌های آمریکایی از طریق ارائه گزارش‌ها و توصیه‌های سیاستی، مشارکت در جلسات کنگره، تأمین نیروهای متخصص برای دولت و شکل‌دهی به گفتمان عمومی نقش مهمی در سیاست خارجی آمریکا دارند. این مؤسسات با تحلیل‌های علمی و داده‌محور، به افزایش آگاهی تصمیم‌گیران سیاسی و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری خارجی کمک می‌کنند. همچنین، حضور پررنگ برخی اندیشکده‌ها در ساختار قدرت و ارتباط نزدیک با نهادهای حکومتی، به تأثیرگذاری بیشتر آن‌ها منجر شده است.

کلمات کلیدی: اندیشکده‌ها، سیاست خارجی،

ایالات متحده آمریکا، سیاست‌گذاری، تأثیرگذاری

اتاق‌های فکر.

اندیشکده‌ها به‌عنوان سازمان‌های تحقیقاتی و تحلیلی، در فرایند سیاست‌گذاری نقش مهمی ایفا می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا، این نهادهای غیردولتی با تولید دانش و ارائه راهکارهای سیاستی، تأثیر بسزایی در تصمیم‌گیری‌های کلان دارند. با این وجود، میزان و چگونگی اثرگذاری آن‌ها در سیاست خارجی آمریکا کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. این پژوهش تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که اندیشکده‌های آمریکایی چگونه و تا چه میزان بر سیاست خارجی این کشور تأثیرگذارند؟ این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی «مطالعه موردی کیفی تطبیقی» و با کاربست چارچوب نظری پیوستگی روزنا به عنوان شاخصی یکسان، به سنجش و مقایسه نحوه و میزان تأثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی دولت‌های پنج‌رئیس‌جمهور اخیر ایالات متحده (از کلینتون تا بایدن) می‌پردازد. و با بهره‌گیری از چارچوب نظری پیوستگی روزنا، به بررسی تأثیر اندیشکده‌ها بر

۱ دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران، نویسنده مسئول: bahadornokandeh@gmail.com

۲ دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

۳ دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

The Role of Think Tanks in United States Foreign Policy

Abstract:

Think tanks, as research and analytical organizations, play an important role in the policy-making process. In the United States, these non-governmental institutions have a significant impact on macro-decision-making by producing knowledge and providing policy solutions. However, the extent and nature of their influence on US foreign policy has been less carefully examined. This study attempts to answer the question of how and to what extent American think tanks influence the foreign policy of this country? Using the methodology of “comparative qualitative case study” and applying Rosena’s theoretical framework of continuity as a uniform indicator, this study measures and compares the manner and extent of the influence of think tanks on the foreign policy of the last five US presidents (from Clinton to Biden). And using Rosena’s theoretical framework of continuity, it examines the influence of think tanks on US foreign policy. Unlike previous studies that focused more on the general role of think tanks in policymaking, this study specifically examines the extent and methods of influence of American think tanks in foreign policy. Information sources include academic articles, research reports, and documents related to the performance of think tanks in the country’s foreign policy. The results of the study show that American think tanks play an important role in American foreign policy by providing policy reports and recommendations, participating in congressional hearings, providing expert personnel to the government, and shaping public discourse. These institutions contribute to increasing the awareness of political decision-makers and improving the quality of foreign policymaking with scientific and data-driven analyses. Also, the strong presence of some think tanks in the power structure and close ties with government institutions have led to their greater influence.

Keywords: Think tanks, foreign policy, United States of America, policymaking, influence of think tanks.

۱- مقدمه

می‌تواند به درک بهتری از همکاری نهادهای غیردولتی با سیاست‌گذاران کمک کند. اهمیت این پژوهش در این است که با کاهش شکاف‌های موجود در تحلیل تأثیر این اندیشکده‌ها، می‌توان نشان داد که چگونه این نهادها می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم به بهبود کیفیت سیاست‌گذاری‌های خارجی کمک کنند. در نهایت، مقاله به بررسی این مسئله خواهد پرداخت که چگونه اندیشکده‌ها در شکل‌دهی و هدایت سیاست‌های خارجی ایالات متحده نقش دارند؟

۲- چارچوب نظری

به‌طور کلی در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی از سوی محققان این رشته مطالعاتی ارائه گردیده است. برخی محققین چون جک اسنایدر و آلیسون بر نقش فرد در سیاست خارجی تأکید می‌کنند. برخی چون کنت والز بر ساختار نظام و عوامل سیستمیک تأکید دارند. اکثر اندیشمندان بر سطح تحلیل خرد یا کلان تأکید دارند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵). یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که با ارائه پیش‌نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد و کلان فراهم کرد جیمز روزنا است. او با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌نظریه سیاست خارجی» زمینه اتصال دو سطح تحلیل را فراهم آورد. او بر این باور است در بررسی و تحلیل سیاست خارجی کشورها بایستی به چهار عامل فرد، نقش، حکومت و جامعه در سطح خرد و محیط بین‌المللی در سطح کلان، توجه نمود که در مجموع پنج عامل در سیاست خارجی تأثیرگذار می‌باشد. این عوامل شامل:

۲-۱- متغیر فردی

در چارچوب روزنا، متغیر فردی به ویژگی‌های شخصی تصمیم‌گیرندگان اشاره دارد که شامل ارزش‌ها، تجربیات پیشین و استعدادهای آنان است. این متغیر در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی نقشی کلیدی ایفا می‌کند، چرا که تصمیمات سیاست‌گذاران به طور مستقیم تحت تأثیر ویژگی‌های فردی آن‌ها قرار

تغییرات عمده در زمینه توسعه بین‌المللی در دهه‌های اخیر باعث شده است که نقش سازمان‌های جامعه مدنی در سیاست‌گذاری‌ها بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. این سازمان‌ها که توانایی جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتقال اطلاعات به صورت مؤثر را دارند، در دنیای معاصر نقشی کلیدی در شکل‌گیری سیاست‌های مختلف ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های این سازمان‌ها، اندیشکده‌ها هستند که با ارائه تحلیل‌های علمی و مشاوره‌های سیاستی به نهادهای دولتی، تأثیر زیادی در فرآیند سیاست‌گذاری دارند. در ایالات متحده، اندیشکده‌ها به‌ویژه در سیاست‌های داخلی و خارجی تأثیرگذاری فراوانی دارند و از طریق ارائه داده‌ها، تحلیل‌ها و توصیه‌های عملی می‌توانند روند تصمیم‌گیری‌های دولتی را شکل دهند. با این حال، با وجود پژوهش‌های گسترده در زمینه نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری‌های داخلی ایالات متحده، توجه کمتری به تأثیرات این نهادها در سیاست خارجی معطوف شده است. اهمیت این پژوهش تنها به پر کردن شکاف‌های نظری محدود نمی‌شود؛ بلکه دارای ابعاد کاربردی و راهبردی است. درک نحوه عملکرد اندیشکده‌های آمریکایی به کشورهای دیگر (از جمله ایران) کمک می‌کند تا بتوانند واکنش‌های بهتری به تحولات سیاست خارجی آمریکا داشته باشند و حتی از ابزارهای مشابه برای تأثیرگذاری استفاده کنند. این مراکز به‌عنوان مغزهای متفکر سیاست‌گذاری آمریکا عمل می‌کنند و نادیده گرفتن نقش آنها می‌تواند به تحلیل‌های ناقص و راهبردهای نامؤثر منجر شود؛ بنابراین، این تحقیق نه تنها برای جامعه علمی، بلکه برای سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل نیز حائز اهمیت است. این پژوهش در تلاش است تا این شکاف‌ها را پر کرده و تأثیر اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده را به طور دقیق‌تری مورد بررسی قرار دهد. با تحلیل میزان و روش‌های نفوذ اندیشکده‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری‌های خارجی، این تحقیق

طریق ارتباط نزدیک با کنگره و دولت، فشارهایی برای تغییر سیاست‌های خارجی ایالات متحده وارد کنند. این تعاملات نشان‌دهنده تأثیر ساختار حکومتی در نحوه ارتباط اندیشکده‌ها با مقامات دولتی و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌های اجرایی است.

۲-۴ متغیر جامعه

متغیر جامعه به عواملی مانند جهت‌گیری‌های ارزشی جامعه، میزان وحدت ملی و سطح صنعتی شدن اشاره دارد که می‌تواند بر سیاست خارجی یک کشور تأثیرگذار باشد. اندیشکده‌ها با تولید گزارش‌ها و تحلیل‌ها، بر نگرش‌های عمومی و جهت‌گیری‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این اندیشکده‌ها با ارائه اطلاعات به رسانه‌ها و عموم مردم، بر افکار عمومی و تصمیمات سیاستمداران تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال، اندیشکده‌هایی مانند: Carnegie Endowment for International Peace و CFR با تحلیل‌های خود در زمینه‌هایی همچون سیاست‌های امنیتی و خارجی، به شکل‌دهی به دیدگاه‌های عمومی در مورد مسائل بین‌المللی کمک کرده‌اند.

۲-۵ متغیر محیطی

متغیر محیطی به ابعاد غیرانسانی محیط خارجی اشاره دارد که تأثیر زیادی بر سیاست‌های خارجی یک کشور دارد. این متغیر شامل شرایط بین‌المللی، تغییرات اقتصادی و بحران‌های جهانی است که می‌تواند بر سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی تأثیر بگذارد. اندیشکده‌ها با تحلیل این شرایط، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند تا بهترین راه‌حل‌ها را برای مواجهه با چالش‌های جهانی انتخاب کنند. به‌عنوان مثال، اندیشکده‌ها در دوران ریاست‌جمهوری کلینتون و بوش با تحلیل بحران‌های جهانی؛ مانند جنگ‌ها، تهدیدات امنیتی و بحران‌های اقتصادی، به سیاست‌گذاران کمک کردند تا واکنش‌های مناسب را به‌موقع اتخاذ کنند (Rosenau, 1971: 109).

از این رو، انتخاب چارچوب نظری «پیوستگی» جیمز روزنا برای این پژوهش، انتخابی هدفمند و کاراست. ماهیت نفوذ اندیشکده‌ها در سیاست خارجی

می‌گیرد. اندیشکده‌ها با ارائه تحلیل‌ها و گزینه‌های مختلف، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند تا از میان گزینه‌های متنوع، مناسب‌ترین سیاست‌ها را انتخاب کنند. به‌عنوان مثال، در دوره ریاست‌جمهوری کلینتون، اندیشکده‌ها مانند PPI و CNP، از طریق مشاوره‌های خود به سیاستمداران میانه‌رو، توانستند بر تصمیمات سیاست داخلی و خارجی تأثیر بگذارند. این اندیشکده‌ها با استفاده از تخصص‌های خود، ایده‌ها و توصیه‌هایی را مطرح کردند که با نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی مقامات دولتی هم‌راستا بود.

۲-۲ متغیر نقش

متغیر نقش در این چارچوب به نقشی که فرد در فرآیند تصمیم‌گیری ایفا می‌کند، اشاره دارد. در این زمینه، اندیشکده‌ها به‌عنوان نهادهایی که نقشی مشورتی و اجرایی در سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند، به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا تصمیمات خود را بر اساس تحلیل‌های علمی و استراتژیک اتخاذ کنند. اندیشکده‌ها نه تنها به‌عنوان مشاوران، بلکه به‌عنوان عاملان مهم در فرآیند تصمیم‌گیری به شمار می‌روند. به‌عنوان مثال، اندیشکده‌هایی مانند: Brookings Institution و Rand Corporation در دوران‌های مختلف ریاست‌جمهوری ایالات متحده به‌عنوان مشاورانی برای سیاستمداران و مقامات اجرایی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی ایفا کرده‌اند.

۲-۳ متغیر حکومت

در چارچوب روزنا، متغیر حکومت به ساختار حکومتی و ملاحظات نهادی اشاره دارد که تأثیر زیادی بر فرایندهای سیاست‌گذاری دارند. این ساختارها می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذار باشند. اندیشکده‌ها در این زمینه با توجه به ساختارهای سیاسی و قانونی ایالات متحده، از طریق ارتباطات رسمی و غیررسمی با مقامات دولتی، نقش اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. برای مثال، در دوران ریاست‌جمهوری بوش، اندیشکده‌های نئومحافظه‌کار مانند: AEI و PNAC توانستند از

۳- متغیر جامعه: نقش اندیشکده‌ها در شکل‌دهی به گفتمان عمومی، تأثیر بر رسانه‌ها و آموزش و ارتقای آگاهی عمومی، مصداق بارز کنشگری در سطح متغیر جامعه است.

۴- متغیر محیطی: در نهایت، تحلیل بحران‌های جهانی، پیش‌بینی روندهای بین‌المللی و ارائه راهکار برای چالش‌های خارجی توسط اندیشکده‌ها، به طور مستقیم با متغیر محیطی روزنا که بر شرایط خارجی تأکید دارد، همسو است.

بنابراین، چارچوب روزنا صرفاً یک نظریه تزئینی برای این پژوهش نیست، بلکه یک «پل مفهومی» است که به ما اجازه می‌دهد تا تأثیرات گوناگون اندیشکده‌ها را در سطوح مختلف تحلیل کرده و درک جامع و نظام‌مندی از نقش آن‌ها در ماشین سیاست خارجی ایالات متحده به دست آوریم.

۳- پیشینه پژوهش

آمریکا پدیده‌ای چندوجهی است که نمی‌توان آن را تنها در یک سطح تحلیل خلاصه کرد. چارچوب روزنا با ارائه متغیرهای پنج‌گانه، ابزاری دقیق برای کالبدشکافی این نفوذ پیچیده فراهم می‌آورد. به طور مشخص، این همپوشانی در موارد زیر قابل تبیین است:

۱- متغیرهای فردی و نقش: اندیشکده‌ها به طور مستقیم بر متغیر فردی از طریق تأمین نیروی انسانی متخصص برای دولت (پدیده درب گردان) و ارائه تحلیل‌هایی که با ارزش‌ها و تجربیات شخصی تصمیم‌گیرندگان همخوانی دارد، تأثیر می‌گذارند. همچنین با ارائه مشاوره‌های استراتژیک، محتوای لازم برای ایفای متغیر نقش توسط مقامات را فراهم می‌آورند.

۲- متغیر حکومت: تعاملات اندیشکده‌ها با کنگره، ارتباط نزدیک با قوه مجریه و پیوند با لابی‌ها، همگی در بستر متغیر حکومت و ساختارهای رسمی قدرت معنا می‌یابند. آن‌ها از کانال‌های موجود در این ساختار برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند.

نویسنده(ها)	عنوان پژوهش	محتوای اصلی پژوهش	یافته‌ها
عسگری و همکاران (۱۳۹۰)	نقش اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی	بررسی نقش اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی.	اتاق‌های فکر به‌عنوان نهادهایی برای یافتن راه‌حل‌های بهینه به مسائل پیچیده اجتماعی در زمینه‌های دفاعی ظهور یافته‌اند.
ادیانی (۱۳۹۶)	نقش کانون‌های تفکر در نظام سیاسی آمریکا	بررسی نقش کانون‌های تفکر در فرآیند سیاست‌گذاری در ایالات متحده.	کانون‌های تفکر نقش مهمی در سیاست‌گذاری ایالات متحده دارند و تأثیرات زیادی در امنیت و سیاست خارجی دارند.

اندیشکده‌ها پلی میان دانش و سیاست‌گذاری هستند و به تصمیم‌سازان کمک می‌کنند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند.	نقش اندیشکده‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی.	نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی	سلطانی و همکاران (۱۳۹۹)
اندیشکده‌ها پلی میان دانش و قدرت بوده و به دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های پیچیده کمک می‌کنند.	بررسی نقش و اهمیت اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاستی.	Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?	ریچ و همکاران (۲۰۱۱)
اندیشکده‌ها در مواقع بحران توصیه‌هایی برای مدیریت بحران‌ها ارائه می‌دهند و به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات کمک می‌کنند.	بررسی نقش اندیشکده‌های سیاست خارجی در بحران‌ها و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها در مواقع بحران.	Foreign Policy Think Tanks in Times of Crisis	لاکس (۲۰۲۱)

نقاط افتراق و اشتراک با پژوهش حاضر:

← اشتراک‌ها:

۱- تمرکز بر اندیشکده‌ها: تمامی پژوهش‌ها بر نقش اندیشکده‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری تأکید دارند، چه در سیاست‌های دفاعی، داخلی یا خارجی.

۲- تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری: تمامی پژوهش‌ها به بررسی تأثیر اندیشکده‌ها بر تصمیمات سیاستی پرداخته‌اند و نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها برجسته کرده‌اند.

← افتراق‌ها:

۱- حوزه مطالعه: پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر نقش کلی اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری داخلی یا

بحران‌ها تأکید کرده‌اند، درحالی‌که پژوهش حاضر به طور خاص به تأثیر اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است.

۲- چارچوب نظری: پژوهش‌های قبلی بیشتر بر توصیف نقش اندیشکده‌ها بدون استفاده از چارچوب‌های نظری خاص متمرکز بودند، اما پژوهش حاضر از چارچوب «پیوستگی» روزنا (Rosenau, 1971) برای تحلیل فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی استفاده کرده است.

۳- روش تحلیل: پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی به بررسی تأثیر اندیشکده‌ها از طریق متغیرهای حکومت، نقش و جامعه پرداخته و تعاملات پیچیده‌تری را در نظر می‌گیرد.

➤ نوآوری پژوهش حاضر:

۱- تمرکز خاص بر سیاست خارجی ایالات متحده: پژوهش حاضر به طور خاص به بررسی نقش اندیشکده‌های آمریکایی در سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

۲- تحلیل سازوکارهای نفوذ اندیشکده‌ها: بر اساس متغیرهای پنج‌گانه روزنا (فردی، نقش، حکومت، جامعه و محیطی).

۳- تحلیل عمیق‌تر: پژوهش حاضر با تمرکز بر تعاملات میان حکومت، نقش و جامعه، فرآیندهای پیچیده تأثیرگذاری اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی را به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار داده است.

➤ تاریخچه اندیشکده‌های آمریکایی

اولین استفاده از اصطلاح «اندیشکده» در طول جنگ جهانی دوم برای اشاره به مکانی امن بود که استراتژیست‌های نظامی می‌توانستند در مورد استراتژی جنگ بحث کنند. امروزه این مفهوم محدود از این اصطلاح برای توصیف بیش از ۲۰۰۰ سازمان تحقیقاتی تنها در ایالات متحده و تقریباً ۲۵۰۰ موسسه مشابه دیگر در سراسر جهان که درگیر تجزیه و تحلیل سیاست هستند استفاده می‌شود. در حالی که تاریخ اندیشکده‌های سیاست خارجی ایالات متحده را مرور می‌کنیم، باید توجه داشت که تنوع زیادی در جامعه اتاق فکر وجود دارد. اتاق‌های فکر آمریکا در اوایل قرن بیستم ایجاد شدند، اتاق فکر آمریکا طبق تعریف کنت ویور از موسسه بروکینگز [دانشگاه‌های بدون دانشجو] تلقی می‌شود. اگرچه در ابتدا این موسسات به ندرت به تصمیم‌گیرندگان توصیه‌های سیاسی ارائه می‌کردند، بلکه هدف اصلی آنها آموزش و اطلاع‌رسانی به عموم مردم و سیاست‌گذاران در مورد پیامدهای بالقوه انتخاب یک مسیر اقدام خاص در سیاست خارجی بود. با این حال، بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل نقش بیشتر آمریکا با مسئولیت‌های جهانی به عنوان قدرت هژمونیک در دنیای

دوقطبی، نیاز به مشاوره و اطلاعات محتاطانه و مستقل در سیاست خارجی برای سیاست‌گذاران ایالات متحده ضروری شد. سیاستگذاران در ایالات متحده نیاز مبرمی به اطلاعات مربوط به سیاست همراه با تجزیه و تحلیل سیستماتیک آن داشتند که بتواند آنها را قادر به توسعه سیاست منطقی امنیت ملی کند. به همین جهت اندیشکده‌ها نقش بیشتری پیدا کردند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد اتاق فکر آمریکایی برای اولین بار تکنیک‌های بازاریابی را برای ارائه تحقیقات سیاستی خود معرفی کرده‌اند و نقش و ماهیت جامعه اتاق فکر را تغییر داده‌اند. اندیشکده‌هایی چون مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) که توسط دریاسالار آرلی برک و دیوید آبشایر در سال ۱۹۶۲ تأسیس شد، بنیاد هریتیج که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و مؤسسه CATO که توسط ادوارد اچ کرین در ۱۹۷۷ تأسیس شد، از فرصت رسانه برای القای محتوا خود و تأثیرگذاری در سیاست خارجی آمریکا استقبال کردند. با افزایش تکثیر اتاق‌های فکر، آنها به اهمیت جلب توجه و توجه عموم و سیاستگذاران از طریق رسانه پی برده‌اند. در کنار اندیشکده‌های تاسیسی توسط اندیشمندان آمریکایی اندیشکده‌هایی ظهور کردند که توسط روسای جمهور سابق تأسیس شده‌اند تا میراثی ماندگار در سیاست‌های داخلی و خارجی به جا بگذارند. آنها قادر به تولید نشریات، برگزاری سمینارها و تحقیق در مورد تعدادی از موضوعات مهم مرتبط با سیاست بودند. از جمله این اندیشکده‌ها می‌توان به مرکز کارتر که در سال ۱۹۸۲ توسط رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، جیمی کارتر مستقر در آتلانتا تأسیس شد و مرکز نیکسون برای صلح و آزادی، که توسط رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون مستقر در واشنگتن دی‌سی تأسیس شد. در پایان قرن بیست و یکم، نزدیک به ۲۰۰۰ اتاق فکر در زمینه حوزه سیاسی در آمریکا تأسیس شده‌اند. این اتاق‌های فکر از نظر دامنه فعالیت متنوع هستند و در مکان‌های مختلف قرار دارند. مؤسسه ای‌مانند مؤسسه اقتصاد بین‌الملل مستقر در واشنگتن (IIE)

1 <https://www.hudson.org/about/history-and-values>

ها و نهادهای دولتی اثرگذار در حوزه سیاست‌گذاری تصمیماتشان تحت‌تأثیر اندیشکده‌ها از طریق مناظره، پرسش، کمیته‌های منتخب می‌شود که نتیجه آن فشار بر وزرا (تصمیم‌گیرندگان اصلی) می‌باشد؛ بنابراین یک اتاق فکر می‌تواند هدف قراردادن مجلس را برای تأثیرگذاری بر وزیر مناسب توجیه کند، زیرا نفوذ از طریق هرم نفوذ به تصمیم‌گیرنده منتقل می‌شود. در برخی از موضوعات و در نقاط خاصی از فرآیند سیاست‌گذاری، پارلمان قدرت تصمیم‌گیری واقعی دارد. کانال‌های نفوذ آنها ممکن است افکار عمومی (به‌ویژه در حوزه انتخابیه آنها) یا سرمقاله‌های رسانه‌ای باشد. یک اتاق فکر ممکن است تصمیم بگیرد که انرژی خود را بر اطلاع‌رسانی به رسانه‌ها یا مردم متمرکز کند (Hov-land, 2004). اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری آمریکا نقشی چون ایفای نقش واسطه‌ای بین دولت و مردم که به ایجاد اعتماد و اطمینان در مقامات دولتی در اتخاذ تصمیماتشان کمک می‌کند، به‌عنوان یک‌صدای آگاه و مستقل در مباحث سیاسی به روشنگری می‌پردازند، به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها و بیان و ارزیابی موضوعات سیاسی درگیر کشور و ارائه پیشنهادها و برنامه‌ها پیرامون آن کمک می‌کنند، در تبدیل ایده‌ها و مشکلات نوظهور به موضوعات سیاسی و آینده‌پژوهی تحولات و بحران‌ها نقش دارند و در کمک به تأمین نیروی انسانی متخصص برای نهادهای کشور در زمینه داخلی و بین‌المللی نقش دارند (معراجی، ۱۴۰۰).

۴- یافته‌ها

۱- نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی

آمریکا

در ساختار نهادی آمریکا که بر پایه سیستم ریاست‌جمهوری بنا شده است، قدرت‌های دولتی به‌روشنی بین شاخه‌های مختلف حکومت تقسیم شده‌اند. در کنار اختیارات متنوعی که به دولت‌های ایالتی و محلی داده شده، قدرت‌های فدرال سیاست‌گذاری میان قوه مجریه (که رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس دولت و هم رئیس حکومت عمل می‌کند) و قوه مقننه تقسیم می‌شود و هر یک از این شاخه‌ها فرصت‌هایی برای وتو

که در سال ۱۹۸۱ توسط پیتر جی پیترسون تأسیس شد، گفتگوی بین‌آمریکایی که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد، و مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک که در ۱۹۸۵ تأسیس شد، بر حوزه‌های خاصی متمرکز هستند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS)، به‌طور خاص در حوزه سیاست خارجی کار می‌کند. تنها تعداد کمی از مؤسسات، مانند بروکینگز، موقوفات عظیم خود را داشته‌اند و به شدت به بودجه رسمی متکی نبوده‌اند. در مقابل، RAND بیشتر به منابع مالی از سوی مشتریان دولتی و خصوصی بستگی دارد. تنها تعداد کمی مانند مؤسسه صلح ایالات متحده (USIP) که توسط کنگره ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد، کاملاً توسط دولت حمایت می‌شود. در موارد معدودی، این نهادها به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی فعال عمل می‌کنند. نمونه‌ای از گروه‌های بحران بین‌المللی که در سال ۱۹۹۵ پدیدار شد را می‌توان از این نوع سازمان دید (Ahmad, 2019).

← نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری

مؤلفه‌های مختلفی در سیاست‌گذاری کشورها تأثیرگذار هستند. این مؤلفه‌ها به دو بخش نهادی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند. اتاق‌های فکر به‌عنوان نهادی غیردولتی می‌توانند پیام‌ها و استدلال‌های خود را برای مخاطبان مختلف تنظیم کنند. نفوذ به‌طور طبیعی مبتنی بر تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان است. در مورد موضوع سیاست‌افراد را که در مناصب بالای قدرت قرار دارند از اصلی‌ترین اهداف نفوذ می‌باشد؛ زیرا آن‌ها هستند که سیاست‌گذار هستند. باید بین تصمیم‌گیرندگانی که مسئولیت واقعی تصمیم‌گیری در یک حوزه سیاستی خاص را بر عهده دارند و رهبران افکار آنها که می‌توانند بر آنها تأثیر بگذارند یا نظر آنها را رهبری کنند و عموماً در دسترس تر هستند، تفاوت قائل شد. هر مدیری به‌گروهی از مشاوران وابسته است. آنها به‌گروه وسیعی از گروه‌های ذی‌نفع، حوزه‌ها و لابی‌ها پاسخگو هستند. علاوه بر این، آنها ممکن است تحت تأثیر ماهیت اطلاعات و تحقیقاتی که از اندیشکده‌ها دریافت می‌کنند تأثیر بگذارند. پارلمان

در فرآیند سیاست‌گذاری دارند (سائکی، ۲۰۰۴؛ کلی و مارشال، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، هرچند توزیع صلاحیت‌ها بین این دوشاخه لزوماً برابر نیست، یک سیستم «چک و تعادل» وجود دارد که طبق آن، تصمیمات یک شاخه باید به تأیید شاخه دیگر برسد (براف، ۲۰۱۴).

در این زمینه، به طور عمدی، نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نقشی هژمونیک در فرآیند سیاست‌گذاری ندارند (شگارت و کری، ۱۹۹۲). باتوجه به توزیع قدرت میان بازیگران مختلف، اندیشکده‌های آمریکایی با چندین مرکز قدرت و تعداد زیادی فرد که نمایانگر این توزیع هستند، روبه‌رو هستند (آبلسون، ۲۰۰۰). درحالی‌که این وضعیت ممکن است به نظر موانع لجستیکی برای اندیشکده‌ها ایجاد کند تا با طیف وسیعی از سیاست‌گذاران در نهادهای مختلف تعامل کنند، از سوی دیگر، توزیع گسترده قدرت به آنها چندین کانال دسترسی و فرصت‌های تعامل با سیاست‌گذاران می‌دهد؛ بنابراین، اندیشکده‌های آمریکایی در یک ساختار «همه یا هیچ» با سیاست‌گذاران عمل نمی‌کنند. بدین معنا که رد یا عدم توافق یک بازیگر با پیشنهادها یا تحلیل‌های یک اندیشکده، توانایی آن اندیشکده را برای تعامل موفق با سایر سیاست‌گذاران محدود نمی‌کند. در عوض، با ۵۳۵ عضو رأی‌دهنده در مجلس نمایندگان و سنای اندیشکده‌های آمریکایی دارای تعداد قابل توجهی از بازیگران نهادی هستند که می‌توانند با آنها تعامل کرده و پیام خود را منتشر کنند. در ادامه تأثیرگذاری اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست خارجی آمریکا را ارائه می‌دهیم.

۴-۱-۲ شبکه‌سازی و ارتباط با نخبگان:

اندیشکده‌ها شبکه‌ای گسترده از ارتباطات با سیاست‌گذاران، نخبگان دانشگاهی، و مقامات دولتی دارند. این شبکه‌سازی باعث می‌شود تا اطلاعات و تحلیل‌های مرتبط به راحتی به دست تصمیم‌گیرندگان برسد. همچنین، این ارتباطات کمک می‌کند تا اندیشکده‌ها بتوانند در مسائل مختلف، از طریق همکاری با نخبگان دانشگاهی و مقامات دولتی، به تحلیل و مشاوره بپردازند (McGann, ۱۹۹۵; Haass, ۲۰۰۹).

۴-۱-۳ تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری:

اندیشکده‌ها با ارائه تحلیل‌ها و پیشنهادها سیاستی، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری می‌تواند از طریق ارائه شهادت در کمیته‌های کنگره و همچنین با انتشار تحقیقات و گزارش‌ها به شکل‌گیری سیاست‌های ملی کمک کند (Abelson, ۲۰۰۶; McGann, ۲۰۰۰). این فرایند ممکن است در مواقعی به‌ویژه در بحران‌ها و شرایط خاص سیاسی، نقش کلیدی ایفا کند.

۴-۱-۴ تبلیغ ایدئولوژی و جهت‌گیری‌های سیاسی:

بسیاری از اندیشکده‌ها دارای ایدئولوژی خاصی هستند و تلاش می‌کنند که این ایدئولوژی‌ها را از طریق تحلیل‌ها و پیشنهادها سیاستی خود به پیش ببرند. این اندیشکده‌ها می‌توانند با تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و تأسیس روابط با سیاست‌گذاران، جهت‌گیری‌های خاص سیاسی را ترویج دهند (Den-ham, ۱۹۹۶). برای مثال، اندیشکده‌هایی مانند بروکینگز و AEI تأثیرگذاری قابل توجهی در زمینه‌های خاص سیاست‌گذاری دارند.

۴-۱-۵ پیش‌بینی روندهای جهانی و ارائه راهکارها:

در فرآیند سیاست‌گذاری دارند (سائکی، ۲۰۰۴؛ کلی و مارشال، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، هرچند توزیع صلاحیت‌ها بین این دوشاخه لزوماً برابر نیست، یک سیستم «چک و تعادل» وجود دارد که طبق آن، تصمیمات یک شاخه باید به تأیید شاخه دیگر برسد (براف، ۲۰۱۴). در این زمینه، به طور عمدی، نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نقشی هژمونیک در فرآیند سیاست‌گذاری ندارند (شگارت و کری، ۱۹۹۲). باتوجه به توزیع قدرت میان بازیگران مختلف، اندیشکده‌های آمریکایی با چندین مرکز قدرت و تعداد زیادی فرد که نمایانگر این توزیع هستند، روبه‌رو هستند (آبلسون، ۲۰۰۰). درحالی‌که این وضعیت ممکن است به نظر موانع لجستیکی برای اندیشکده‌ها ایجاد کند تا با طیف وسیعی از سیاست‌گذاران در نهادهای مختلف تعامل کنند، از سوی دیگر، توزیع گسترده قدرت به آنها چندین کانال دسترسی و فرصت‌های تعامل با سیاست‌گذاران می‌دهد؛ بنابراین، اندیشکده‌های آمریکایی در یک ساختار «همه یا هیچ» با سیاست‌گذاران عمل نمی‌کنند. بدین معنا که رد یا عدم توافق یک بازیگر با پیشنهادها یا تحلیل‌های یک اندیشکده، توانایی آن اندیشکده را برای تعامل موفق با سایر سیاست‌گذاران محدود نمی‌کند. در عوض، با ۵۳۵ عضو رأی‌دهنده در مجلس نمایندگان و سنای اندیشکده‌های آمریکایی دارای تعداد قابل توجهی از بازیگران نهادی هستند که می‌توانند با آنها تعامل کرده و پیام خود را منتشر کنند. در ادامه تأثیرگذاری اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست خارجی آمریکا را ارائه می‌دهیم.

۴-۱-۱ تولید دانش و تحلیل سیاستی:

اندیشکده‌ها به طور مستمر در تولید ایده‌ها و تحلیل‌های سیاسی برای سیاست‌گذاران ایالات متحده مشغول به کارند. این مؤسسات تحقیقاتی با انتشار مقالات، گزارش‌ها و تحلیل‌ها در حوزه‌های مختلف مانند امنیت ملی و سیاست خارجی، به سیاست‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود کمک می‌کنند. این فرآیند به تولید گزینه‌های جدید برای سیاست‌گذاری و فراهم‌آوردن زمینه برای تحلیل‌های دقیق‌تر می‌انجامد.

دو بازیگر، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، یکی از ویژگی‌های متمایز سازوکار تصمیم‌گیری در آمریکا به شمار می‌رود. اندیشکده‌ها به‌عنوان مراکز تولید دانش و ارائه تحلیل‌های سیاستی، با ارائه گزارش‌ها، نشست‌های تخصصی، و توصیه‌های کارشناسی، مبنای فکری و معرفتی تصمیم‌سازان را شکل می‌دهند. در عین حال، لابی‌ها که عمدتاً نماینده منافع گروه‌های خاص (اقتصادی، قومی، ایدئولوژیک یا جغرافیایی) هستند، از قدرت شبکه‌ای، مالی و ارتباطی خود برای انتقال این توصیه‌ها به سطوح اجرایی بهره می‌برند. از این رو، تعامل اندیشکده‌ها و لابی‌ها را می‌توان یک ائتلاف سیاست‌گذار غیررسمی دانست که در بسیاری موارد به شکل‌گیری جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی آمریکا منتهی می‌شود. اندیشکده‌هایی مانند Washington Institute for Near East Policy (WINEP) و (FDD) (of Democracies) با نهادهایی چون PAC (کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل) پیوندهای آشکاری دارند. این اندیشکده‌ها با تکیه بر پژوهش‌های تخصصی، چارچوب‌های نظری برای تهدیدات منطقه‌ای (نظیر ایران یا حزب‌الله) ترسیم می‌کنند و از سوی دیگر، لابی‌هایی مانند AIPAC این چارچوب‌ها را به‌عنوان اولویت‌های امنیت ملی آمریکا در سطح کنگره و دولت مطرح می‌کنند. به گفته جان میرزهایمر و استیفن والت، اتحاد استراتژیک میان اندیشکده‌های حامی اسرائیل و لابی‌ها در آمریکا، نه فقط بر روند سیاست‌گذاری، بلکه بر نوع تفسیری که نهادهای دولتی از تحولات خاورمیانه ارائه می‌دهند، تأثیرگذار بوده است. (Mearsheimer & Walt, 2007). در دوران دولت ترامپ، این پیوندها تقویت شد. اندیشکده FDD نقش مهمی در طراحی کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران ایفا کرد. مطالعات منتشر شده توسط FDD با استناد به تهدید برنامه موشکی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن، زمینه‌ساز خروج آمریکا از برجام شدند. هم‌زمان، لابی‌هایی چون AIPAC و برخی گروه‌های محافظه‌کار، این توصیه‌ها را به اجماع در کنگره بدل کردند (Par-

اندیشکده‌ها به تحلیل روندهای جهانی پرداخته و راهکارهای مبتنی بر تحقیقات خود را برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهند. این اندیشکده‌ها در تلاش هستند تا در زمینه‌های مختلف، نظرات خود را در خصوص چالش‌های جهانی مطرح کنند و تأثیراتی در سیاست‌های جهانی و ملی بگذارند. این تأثیرات می‌تواند شامل پیش‌بینی مسائل جهانی؛ مانند بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی، یا تحولات سیاسی باشد (Selee, 2013).

۴-۱-۶ نقش در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای:

اندیشکده‌ها از طریق تعامل با رسانه‌ها و سازمان‌دهی رویدادها، سعی می‌کنند به بحث‌های عمومی در مورد مسائل مختلف دامن بزنند و اطلاعات و تحلیل‌های خود را به جامعه منتقل کنند. این تعاملات می‌تواند شامل حضور در رسانه‌ها، نشر تحلیل‌ها در وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، و یا برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها باشد که به شفاف‌سازی مسائل پیچیده و کمک به تصمیم‌گیری‌های بهتر می‌پردازد (Kalybry and Nikon, 2021).

۴-۱-۷ تقویت دیپلماسی پنهان:

اندیشکده‌ها از طریق ارائه تحلیل‌ها و برگزاری جلسات غیررسمی با نخبگان و مقامات، نقشی کلیدی در دیپلماسی پنهان ایفا می‌کنند. این جلسات ممکن است به‌دوراز توجه عمومی و رسانه‌ها برگزار شوند و به سیاست‌گذاران کمک کنند تا راه‌حل‌های دیپلماتیک برای مسائل پیچیده پیدا کنند. اندیشکده‌ها از این طریق می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای برای مذاکره‌های غیررسمی و تسهیل ارتباطات میان کشورهای مختلف عمل کنند (Kissinger, 1979).

۴-۱-۸ ارتباط با لابی‌ها

در نظام سیاسی ایالات متحده، اندیشکده‌ها (Think Tanks) و لابی‌ها (Lobbies) دو نهاد تأثیرگذار و مکمل در فرآیند سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. ارتباط پیچیده و در عین حال استراتژیک این

ضعف و قوت سیاست‌های مختلف پرداخته و پیشنهادها اصلاحی برای بهبود این سیاست‌ها ارائه می‌دهند. این نظارت می‌تواند شامل ارزیابی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد که به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا بهتر درک کنند که سیاست‌های اتخاذی چگونه در عمل کرده‌اند (Selee, ۲۰۱۳; McGann, ۲۰۰۰).

۱۲-۱-۴. ایجاد فضای گفت‌وگوی چندجانبه و

بین‌المللی:

اندیشکده‌ها نقشی مهم در تسهیل گفت‌وگوهای چندجانبه و میان‌فرهنگی دارند. از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و جلسات بین‌المللی، این نهادها امکان برقراری ارتباط میان کشورها و فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌کنند و به کاهش تنش‌ها و ایجاد همکاری‌های بین‌المللی کمک می‌کنند. این فضای گفت‌وگو می‌تواند شامل حوزه‌هایی مانند امنیت، محیط‌زیست، و حقوق بشر باشد (Rich & Weaver, ۲۰۱۱).

(Si, ۲۰۱۷). این پدیده را می‌توان در چارچوب نظری «شبکه‌های سیاست‌گذاری (Policy Networks)» تحلیل کرد که بر تعامل بازیگران رسمی و غیررسمی برای شکل‌دهی به تصمیمات عمومی تأکید دارد. در این الگو، اندیشکده‌ها نقش تولید معنا (meaning production) و لابی‌ها نقش تولید نفوذ (influence production) را بر عهده دارند. به بیان دیگر، اندیشکده‌ها دانش مشروع و تخصصی تولید می‌کنند و لابی‌ها آن را در مسیر منافع خاص به جریان می‌اندازند.

۴-۱-۹. آموزش و ارتقای سطح آگاهی

عمومی:

اندیشکده‌ها در زمینه‌های مختلف به آموزش عمومی در مورد مسائل جهانی و سیاست خارجی می‌پردازند. از طریق گزارش‌ها، مقالات، سمینارها و برنامه‌های آموزشی، آنها به ایجاد آگاهی و درک بیشتر از مسائل بین‌المللی در میان عموم مردم و سیاست‌گذاران کمک می‌کنند. این آموزش می‌تواند به سیاست‌گذاران و عموم جامعه کمک کند تا درک بهتری از روندهای جهانی و پیامدهای آن برای سیاست‌های داخلی داشته باشند (Haass, ۲۰۰۹).

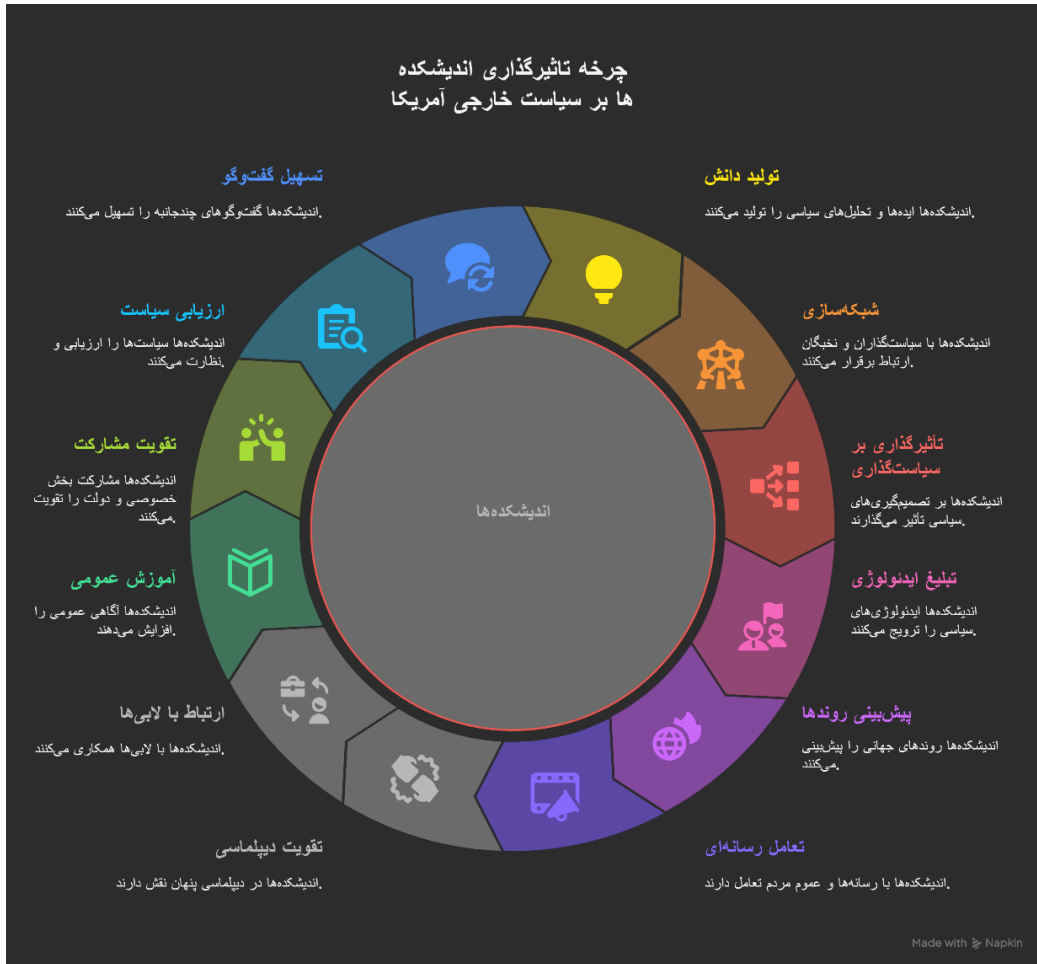
۱۰-۱-۴. تقویت مشارکت بخش خصوصی و

دولت:

اندیشکده‌ها به‌عنوان پلی میان بخش خصوصی و دولت عمل می‌کنند. آنها می‌توانند نظرات و تحلیل‌های خود را در خصوص سیاست‌های اقتصادی، تجاری، و امنیتی به بخش خصوصی منتقل کنند و همچنین با مشاوره‌های خود به دولت کمک کنند تا تصمیمات بهتری در راستای منافع ملی و بین‌المللی اتخاذ کند. این نوع تعاملات کمک می‌کند تا ارتباطات میان بخش‌های مختلف جامعه بهبود یابد و تصمیم‌گیری‌ها منسجم‌تر و مبتنی بر شواهد انجام شود (Stone, ۱۹۹۶).

۱۱-۱-۴. رصد و ارزیابی تأثیر سیاست‌ها:

اندیشکده‌ها به طور مداوم سیاست‌ها و استراتژی‌های اجرایی را ارزیابی و نظارت می‌کنند. آنها با تحلیل داده‌ها و مستندات موجود، به شناسایی نقاط



تصویر ۱: چرخه تاثیرگذاری اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی آمریکا (نگارنده)

۲-۴. تاثیر اندیشکده‌ها در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری

۱-۲-۴. دوره کلینتون (۲۰۰۱-۱۹۹۳).

در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، اندیشکده‌ها به‌ویژه در حوزه سیاست داخلی و خارجی تاثیر زیادی داشتند. یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌ها در این دوره، مؤسسه سیاست مترقی (PPI) بود که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد. این مؤسسه به‌عنوان بازوی پژوهشی شورای رهبری دموکراتیک (DLC) فعالیت می‌کرد و در تدوین سیاست‌های کلیدی دولت کلینتون نقش داشت. در این دوره، بسیاری از افرادی که از این

اندیشکده به دولت پیوستند، به ویژه در زمینه‌های سیاست داخلی، بر سیاست‌های عمومی تاثیر گذاشتند. مادلین آلبرایت و آنتونی لیک از جمله افرادی بودند که از این اندیشکده‌ها به دولت کلینتون پیوستند و در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی تاثیرگذار شدند (Abelson, 2002; McGann, 2005).

در این دوره، اندیشکده‌ها به‌ویژه از طریق تأمین نیروی انسانی و ارائه ایده‌های همسو با جریان اصلی حزب دموکرات تاثیرگذار بودند.

۱- متغیر فردی: این متغیر به وضوح در پیوستن افرادی مانند مادلین آلبرایت و آنتونی لیک به دولت

این دوره اوج تأثیرگذاری اندیشکده‌های نو محافظه‌کار بود که توانستند از یک بحران خارجی برای پیشبرد ایدئولوژی خود استفاده کنند.

متغیر محیطی: حوادث ۱۱ سپتامبر به‌عنوان یک شوک بزرگ در محیط بین‌المللی، فضایی را برای سیاست‌های جدید فراهم کرد.

متغیر فردی: اندیشکده‌های نومحافظه‌کار مانند مؤسسه امریکن اینترپرایز (AEI) و پروژه برای قرن جدید آمریکایی (PNAC) بر تیم مشاوران بوش موسوم به «ولکان‌ها» تأثیر گذاشتند. این مشاوران به دلیل ارزش‌ها و باورهای فردی خود، پذیرای ایده‌های تهاجمی این اندیشکده‌ها بودند.

متغیر نقش: «ولکان‌ها» در نقش مشاوران کلیدی، سیاست‌های تهاجمی ایالات متحده در قبال عراق و کره شمالی را طراحی کردند. اندیشکده‌ها محتوای لازم برای ایفای این نقش را برای آن‌ها فراهم نمودند.

متغیر حکومت: این اندیشکده‌ها تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی دولت بوش داشتند و توانستند ایدئولوژی خود را به سیاست رسمی قوه مجریه تبدیل کنند.

متغیر جامعه: این اندیشکده‌ها با ترویج ایدئولوژی نو محافظه‌کاری، به شکل‌دهی به بخشی از گفتمان جامعه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر کمک کردند و زمینه را برای پذیرش سیاست‌های تهاجمی فراهم آوردند.

۲-۴-۳ دوره اوباما (۲۰۱۷-۲۰۰۹)

در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، اندیشکده‌ها نقش قابل‌توجهی در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی ایالات متحده داشتند. اوباما به‌ویژه از اندیشکده‌های شورای روابط خارجی (CFR)، مرکز امنیت ملی جدید آمریکا (CNAS) و مؤسسه بروکینگز استفاده کرد تا سیاست‌های خارجی ایالات متحده را در برابر چالش‌های جهانی؛ مانند بهار عربی، ایران، و چین هدایت کند. افراد زیادی از اندیشکده‌ها به دولت اوباما پیوستند و نقش‌های کلیدی در حوزه سیاست خارجی ایفا کردند، از جمله آنتونی بلینکن و جیک سالیوان که در مذاکرات هسته‌ای ایران و مسائل امنیت ملی ایالات

کلینتون دیده می‌شود. این افراد که با اندیشکده‌هایی چون مؤسسه سیاست مترقی (PPI) مرتبط بودند، ارزش‌ها و تجربیات شخصی همسو با این مراکز را به بدنه دولت منتقل کردند و بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی تأثیر گذاشتند.

۲-متغیر نقش: آبرایت و لیک با قرار گرفتن در نقش‌های کلیدی در دولت، از تحلیل‌ها و توصیه‌های اندیشکده‌ها برای ایفای مسئولیت‌های رسمی خود در حوزه سیاست خارجی بهره بردند. اندیشکده‌ها به آن‌ها کمک کردند تا در جایگاه‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌های مشخصی را تدوین کنند.

۳-متغیر حکومت: مؤسسه سیاست مترقی (PPI) به عنوان بازوی پژوهشی شورای رهنبری دموکراتیک (DLC) فعالیت می‌کرد. این ارتباط یک کانال نفوذ ساختاری و حکومتی بود که از طریق آن، ایده‌های اندیشکده به طور مستقیم به یک نهاد قدرتمند در حزب حاکم و در نهایت به دولت منتقل می‌شد.

۴-متغیر جامعه و محیطی: این اندیشکده با انتشار مقالات نقش بسزایی در اذهان عمومی و شکل‌دهی فکری عمومی داشته است.

۲-۴-۲ دوره بوش (۲۰۰۹-۲۰۰۱)

دولت جرج بوش تحت تأثیر اندیشکده‌های محافظه‌کار، به‌ویژه نومحافظه‌کاران، قرار داشت. مؤسسه امریکن اینترپرایز (AEI) و پروژه برای قرن جدید آمریکایی (PNAC) از جمله اندیشکده‌های برجسته بودند که تأثیر زیادی بر سیاست خارجی دولت بوش داشتند. وُسه امریکن اینترپرایز (AEI) با گرایش محافظه‌کارانه، نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی تهاجمی دولت جورج بوش، به ویژه در قبال خاورمیانه، ایفا کرد. تیم مشاوران بوش که به «ولکان‌ها» معروف شدند، از افرادی تشکیل شده بود که از اندیشکده‌های محافظه‌کار تأثیر می‌پذیرفتند و بر مسائل حساس مانند عراق و کره شمالی تمرکز داشتند. این گروه، به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، سیاست‌های تهاجمی ایالات متحده در خاورمیانه را طراحی کردند (Abelson, 2009; Mann, 2004).

راستای منافع ملی ایالات متحده و سیاست‌های «اول آمریکا» فعالیت می‌کردند- Wald 2017; Rastrick man & Bravender, 2024

ارتباط اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) با دولت ترامپ فراتر از یک حمایت ساده بود و می‌توان آن را مصداق بارز تولید «معماری فکری» یک سیاست خارجی دانست. این اندیشکده، به‌ویژه از طریق مدیر اجرایی خود، مارک دبوویتز، سال‌ها پیش از دولت ترامپ، بر این ایده تمرکز داشت که برجام به دلیل نادیده گرفتن «فعالیت‌های بدخیم غیرهسته‌ای» ایران (non-nuclear malign activities) ناقص است و باید یک «دیوار تحریمی (wall of sanctions)» جدید بر اساس برنامه موشکی، حمایت از گروه‌های نیابتی و وضعیت حقوق بشر علیه ایران ساخته شود. این چارچوب فکری تقریباً به صورت مستقیم در سیاست رسمی دولت ترامپ بازتاب یافت. در سخنرانی ۸ می ۲۰۱۸، دونالد ترامپ هنگام اعلام خروج از برجام، استدلال خود را نه صرفاً بر پایه کاستی‌های توافق هسته‌ای، بلکه بر اساس مسائلی بنا کرد که دقیقاً محور تمرکز FDD بود: «حمایت ایران از تروریسم» و «برنامه موشکی بالستیک». با این حال، متقن‌ترین سند که پیوند میان ایده‌های FDD و دکترین دولت ترامپ را نشان می‌دهد، سخنرانی وزیر امور خارجه، مایک پمپئو، در ۲۱ می ۲۰۱۸ در بنیاد هریتیج با عنوان «پس از توافق: یک راهبرد جدید برای ایران» است. در این سخنرانی، پمپئو ۱۲ شرط یا «خواسته» را به عنوان مبنای راهبرد فشار حداکثری معرفی کرد. مقایسه این شروط با گزارش‌ها و توصیه‌های چندین ساله FDD، همسویی و نفوذ مستقیم را آشکار می‌سازد. برای مثال، توصیه مکرر FDD مبنی بر «پایان دادن به تکثیر موشک‌های بالستیک و توقف کامل برنامه موشکی ایران»، به شکل مستقیم در شرط سوم پمپئو بازتاب یافت که می‌گفت: «ایران باید تکثیر موشک‌های بالستیک را متوقف کند و توسعه و آزمایش موشک‌های با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را کنار بگذارد.» به همین ترتیب، توصیه FDD برای

متحده تأثیرگذار بودند (Abelson, 2002; Mann, 2012).

در این دوره، اندیشکده‌های میانه‌رو و لیبرال در واکنش به چالش‌های جهانی و تأمین نیروی متخصص برای دولت نقش کلیدی داشتند.

متغیر محیطی: دولت اواما با چالش‌های محیطی متعددی مانند بهار عربی، برنامه هسته‌ای ایران و قدرت‌یابی چین روبرو بود.

متغیر حکومت: اواما برای مدیریت این چالش‌ها، به طور مستقیم از اندیشکده‌هایی مانند شورای روابط خارجی (CFR)، مرکز امنیت ملی جدید آمریکا (CNAS) و مؤسسه بروکینگز استفاده کرد. این نشان‌دهنده تعامل سطح بالای حکومتی است.

متغیر فردی: افرادی مانند آنتونی بلینکن و جیک سالیوان از این اندیشکده‌ها به دولت پیوستند و با تخصص فردی خود در مسائل کلیدی مانند مذاکرات هسته‌ای ایران تأثیرگذار بودند.

متغیر نقش: این افراد در نقش‌های کلیدی امنیت ملی، از تحلیل‌های اندیشکده‌ها برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک و امنیتی دولت اواما استفاده کردند.

متغیر جامعه: این اندیشکده‌ها با ارائه تحلیل در مورد مسائل مهم جهانی، به شکل‌دهی به گفتمان جامعه نخبگان و افکار عمومی در مورد سیاست خارجی اواما کمک کردند.

۴-۲-۴ دوره ترامپ (۲۰۲۱-۲۰۱۷)

در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، اندیشکده‌ها بیشتر از هر زمان دیگر تحت فشار تغییرات سیاسی و استراتژیک قرار گرفتند. ترامپ با سیاست‌های غیرسنتی خود، از جمله خروج از توافق هسته‌ای ایران و تغییر رویکرد در قبال ناتو، باعث شد اندیشکده‌ها رویکردهای جدیدی را برای مشاوره با دولت تدوین کنند. مؤسسه امریکن اینترپرایز (AEI) و پروژه برای قرن جدید آمریکایی، (PNAC) و fdd همچنان بر سیاست‌های ترامپ تأثیرگذار بودند، به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و خارجی. همچنین، ترامپ به تأثیر اندیشکده‌های مرتبط باسیاست اول آمریکا توجه ویژه‌ای داشت، که بیشتر در

پایدار آنها در ساختار حکومتی و توانایی آنها برای ارائه مشاوره به تصمیم‌گیرندگان در نقش‌های مختلف است.

۵-۲-۴ دوره بایدن (۲۰۲۱-۲۰۲۵)

در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن، اندیشکده‌ها به‌ویژه در تدوین سیاست‌های خارجی آمریکا، از جمله روابط با چین و تغییرات اقلیمی، نقش کلیدی داشتند. دولت بایدن، به‌ویژه از شورای روابط خارجی (CFR)، مؤسسه بروکینگز و مؤسسه کارنگی برای صلح بین‌الملل برای مشاوره در سیاست‌های چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های بین‌المللی استفاده کرد. افراد زیادی از این اندیشکده‌ها به دولت بایدن پیوستند، از جمله آنتونی بلینکن که به‌عنوان وزیر امور خارجه تأثیر زیادی در سیاست‌های خارجی ایالات متحده داشته است. مؤسسه بروکینگز (Brookings Institution) که اغلب با حزب دموکرات همسو است، تأثیرگذاری قابل‌توجهی بر سیاست‌های چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی در دولت‌های اوباما و بایدن داشته است. اندیشکده‌ها همچنین به دولت بایدن کمک کرده‌اند تا سیاست‌هایی را تدوین کند که به‌ویژه بر بازگشت به توافقات بین‌المللی و تقویت روابط با متحدان تأکید دارد (Shoup, 2021).

دولت بایدن به رویکرد سنتی تعامل با اندیشکده‌های جریان اصلی بازگشت تا سیاست خارجی چندجانبه‌گرا را احیا کند.

متغیر محیطی: دولت بایدن با چالش‌های محیطی مشخصی مانند روابط با چین و تغییرات اقلیمی روبرو بود و برای مدیریت آن‌ها به اندیشکده‌ها روی آورد.

متغیر حکومت: دولت بایدن به طور مشخص از اندیشکده‌هایی چون CFR، بروکینگز و کارنگی برای مشاوره در سیاست‌های چندجانبه‌گرایی استفاده کرد که نشان‌دهنده یک رابطه نهادینه حکومتی است.

متغیر فردی: پیوستن مجدد افرادی مانند آنتونی بلینکن به دولت در یک مقام ارشد (وزیر امور خارجه)، نشان می‌دهد که چگونه تخصص و پیشینه فردی مرتبط با اندیشکده‌ها، راه را برای رسیدن به مناصب کلیدی هموار می‌کند.

«توقف حمایت مالی و نظامی از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها»، در شرط پنجم («ایران باید حمایت خود از گروه‌های تروریستی خاورمیانه، از جمله حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین را پایان دهد.») و شرط هشتم («ایران باید حمایت نظامی خود از شبه‌نظامیان حوثی را متوقف کرده و برای یک راه حل سیاسی مسالمت‌آمیز در یمن تلاش کند.») تکرار شد. همچنین، خواسته FDD مبنی بر «خروج کامل نیروهای تحت امر ایران از سوریه»، عیناً در شرط هفتم پمپئو آمد: «ایران باید تمام نیروهای تحت امر خود را از سراسر سوریه خارج کند.» این همسویی دقیق نشان می‌دهد که اندیشکده FDD صرفاً یک حامی خارجی سیاست فشار حداکثری نبود، بلکه با تولید و ترویج یک چارچوب تحلیلی و ارائه فهرستی از اقدامات مشخص، نقش مستقیمی در طراحی محتوای این راهبرد ایفا کرد. این فرایند، نمونه‌ای کلاسیک از تبدیل دانش تخصصی تولید شده در یک اندیشکده به دکنترین رسمی سیاست خارجی ایالات متحده است.

متغیر فردی: سیاست‌های غیرسنتی ترامپ که از ویژگی‌های فردی او نشأت می‌گرفت، باعث شد او به اندیشکده‌های خاصی توجه کند. او به اندیشکده‌های مرتبط با سیاست «اول آمریکا» و موسسه fdd توجه ویژه‌ای داشت که با ارزش‌های شخصی او همخوانی داشت.

متغیر محیطی: رویکرد ترامپ در قبال محیط بین‌المللی، مانند خروج از توافق هسته‌ای ایران و تغییر رویکرد در قبال ناتو، باعث شد اندیشکده‌ها مجبور به تدوین رویکردهای جدیدی برای مشاوره شوند.

متغیر جامعه: سیاست «اول آمریکا» یک جهت‌گیری ارزشی در بخشی از جامعه آمریکا بود. اندیشکده‌های حامی این سیاست، با تقویت این گفتمان اجتماعی، نفوذ خود را افزایش دادند. Fdd هم سیاست تهاجمی ارائه می‌دهد.

متغیرهای حکومت و نقش: اندیشکده‌های محافظه‌کار سنتی مانند AEI همچنان بر سیاست‌های امنیتی و خارجی تأثیرگذار بودند که نشان‌دهنده نفوذ

در دولت بوش به اوج خود رسید، اما این الگو در دولت ترامپ تکرار نشد. دلیل این تفاوت را می‌توان با استفاده از متغیرهای روزنا تبیین کرد. در دولت بوش، یک همسویی کامل میان متغیر فردی (حضور پررنگ نومحافظه‌کاران در تیم مشاوران «ولکان‌ها») متغیر حکومت (ارتباط نزدیک آن‌ها با کنگره و دولت) و متغیر محیطی (وقوع حملات ۱۱ سپتامبر) وجود داشت. حادثه ۱۱ سپتامبر یک «پنجره فرصت» برای ایده‌های از پیش آماده شده‌ی PNAC و AEI ایجاد کرد و به آن‌ها مشروعیت بخشید. اما در دولت ترامپ، متغیر فردی شخص رئیس‌جمهور بر سایر متغیرها غلبه داشت. سیاست «اول آمریکا» و رویکرد غیرسنتی ترامپ، با بخش‌هایی از ایدئولوژی نومحافظه‌کاران که بر رهبری جهانی آمریکا و اتحادهای سنتی تأکید داشتند، در تضاد بود. در حالی که اندیشکده‌هایی چون AEI همچنان نفوذ داشتند، این نفوذ گزینشی بود و هرگاه توصیه‌های آن‌ها با ارزش‌ها و اهداف شخصی ترامپ همخوانی نداشت، نادیده گرفته می‌شد. بنابراین، تفاوت کلیدی در تعامل میان «متغیر فردی» رئیس‌جمهور و «متغیر محیطی» نهفته است.

۴،۳،۳ نقش تعیین‌کننده «متغیر محیطی» در تغییر نوع نفوذ: تغییرات در محیط بین‌الملل به شکل مستقیمی نوع و میزان نفوذ اندیشکده‌ها را تغییر داده است. حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان یک شوک محیطی، فضا را برای سیاست‌های تهاجمی و پیش‌دستانه فراهم کرد و اندیشکده‌های مروج این ایده‌ها را به کانون قدرت نزدیک ساخت. در مقابل، در دوره اوباما و بایدن، چالش‌های محیطی متفاوتی مانند بحران مالی، ظهور چین به عنوان یک رقیب استراتژیک و تغییرات اقلیمی، برجسته شدند. این مسائل پیچیده و بلندمدت، نیاز به راهکارهای دیپلماتیک و چندجانبه داشت و در نتیجه، فضا را برای نفوذ بیشتر اندیشکده‌هایی مانند CFR، بروکینگز و مؤسسه کارنگی که در این حوزه‌ها تخصص داشتند، باز کرد.

در مجموع، این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که تأثیرگذاری اندیشکده‌ها یک فرآیند خطی نیست، بلکه

متغیر نقش: بلینکن در نقش وزیر امور خارجه، سیاست‌هایی را که توسط این اندیشکده‌ها حمایت می‌شد (مانند بازگشت به توافقات بین‌المللی و تقویت روابط با متحدان) به اجرا گذاشت.

متغیر جامعه: تأکید بر بازگشت به همکاری‌های بین‌المللی، بازتابی از تغییر در بخشی از جهت‌گیری‌های جامعه آمریکا پس از دوره ترامپ بود که این اندیشکده‌ها در ترویج آن نقش داشتند.

۴-۳. تحلیل تطبیقی و الگوهای تأثیرگذاری

در دولت‌های مختلف

تحلیل مجزای هر دوره ریاست‌جمهوری نشان داد که نفوذ اندیشکده‌ها پدیده‌ای ثابت نیست، بلکه متأثر از ایدئولوژی حزب حاکم، شخصیت رئیس‌جمهور و شرایط محیط بین‌الملل است. بررسی تطبیقی این دوره‌ها، الگوهای مشخصی را آشکار می‌سازد که قدرت تبیین‌کنندگی پژوهش را افزایش می‌دهد.

۴،۳،۱ الگوی نفوذ در دولت‌های دموکرات

و جمهوری‌خواه: یک الگوی روشن، تمایز در نوع اندیشکده‌های تأثیرگذار بر دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه است. دولت‌های دموکرات (کلینتون، اوباما و بایدن) به طور مشخص به اندیشکده‌های میانه‌رو و لیبرال مانند مؤسسه بروکینگز (Brook-ings Institution)، شورای روابط خارجی (CFR) و مرکز امنیت ملی جدید آمریکا (CNAS) گرایش داشته‌اند. این اندیشکده‌ها اغلب در تدوین سیاست‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی نقش کلیدی ایفا کرده و کادر مدیریتی و فکری این دولت‌ها را تأمین نموده‌اند. در مقابل، دولت‌های جمهوری‌خواه (بوش و ترامپ) عمدتاً تحت تأثیر اندیشکده‌های محافظه‌کار و نومحافظه‌کار مانند مؤسسه امریکن اینترپرایز (AEI) و پروژه برای قرن جدید آمریکایی (PNAC) بوده‌اند. این مراکز فکری، در شکل‌دهی به سیاست خارجی تهاجمی‌تر، به‌ویژه در دوره بوش، نقشی محوری داشتند.

۴،۳،۲ معمای نفوذ نومحافظه‌کاران: تفاوت

دولت بوش و ترامپ: نفوذ اندیشکده‌های نومحافظه‌کار

محصول یک اکوسیستم پویاست. نفوذ یک اندیشکده، به همسویی ایدئولوژی آن با حزب حاکم، پذیرش ایده‌هایش توسط شخصیت تصمیم‌گیرنده نهایی و مهم‌تر از همه، تناسب راهکارهای پیشنهادی آن با چالش‌های مسلط در محیط بین‌المللی بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

اندیشکده‌ها به‌عنوان نهادهای مستقل و غیردولتی، از طریق تولید دانش و تحلیل‌های دقیق، مشاوره‌های علمی و استراتژیک، و تأمین نیروی انسانی متخصص برای نهادهای حکومتی، نقش مؤثری در شکل‌دهی و هدایت سیاست‌های خارجی ایالات متحده ایفا می‌کنند. این نهادها با بهره‌گیری از توانایی‌های تحلیلی خود و ایجاد ارتباطات نزدیک با مقامات دولتی و سیاست‌گذاران، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند تا تصمیمات آگاهانه‌تر و بهتری در زمینه سیاست‌های خارجی اتخاذ کنند. بر اساس چارچوب نظری پیوستگی روزنا، تأثیر اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده از طریق پنج متغیر کلیدی مورد تحلیل قرار می‌گیرد: متغیرهای فردی، نقش، حکومت، جامعه و محیط. هر یک از این متغیرها تأثیرات خاص خود را بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دارند و اندیشکده‌ها به‌عنوان نهادهایی که در تمامی این ابعاد وارد می‌شوند، نقشی چندوجهی و پیچیده در فرآیندهای سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. اولین متغیر، متغیر فردی است که به ویژگی‌های شخصی تصمیم‌گیرندگان اشاره دارد. تصمیمات سیاست‌گذاران به طور مستقیم تحت تأثیر ارزش‌ها، تجربیات و تخصص‌های شخصی آن‌ها قرار می‌گیرد. در این راستا، اندیشکده‌ها با ارائه تحلیل‌ها و گزارش‌های دقیق، به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا از میان گزینه‌های مختلف، بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند. اندیشکده‌ها به‌ویژه در مواردی که سیاست‌گذاران با چالش‌های جدید و پیچیده مواجه هستند، به‌عنوان منابعی معتبر برای ارائه مشاوره‌های علمی و داده‌محور عمل می‌کنند. متغیر دوم، متغیر نقش است که به نقشی که فرد در فرآیند سیاست‌گذاری

ایفا می‌کند، اشاره دارد. اندیشکده‌ها در این زمینه نه تنها به‌عنوان مشاوران، بلکه به‌عنوان بازیگران مهم در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی شناخته می‌شوند. آن‌ها با ارائه تحلیل‌ها و پیشنهاداتی به مقامات اجرایی و قانون‌گذاران، به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌های خارجی ایالات متحده تأثیر می‌گذارند. در این خصوص، اندیشکده‌هایی چون بروکینگز، رند و شورای روابط خارجی (CFR) در دوران‌های مختلف ریاست‌جمهوری به‌ویژه در تدوین سیاست‌های کلیدی خارجی ایالات متحده نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. متغیر سوم، متغیر حکومت است که به ساختار حکومتی و ملاحظات نهادی اشاره دارد که تأثیر زیادی بر فرآیندهای سیاست‌گذاری دارند. اندیشکده‌ها در این زمینه با توجه به ساختارهای سیاسی و قانونی ایالات متحده، از طریق ارتباطات رسمی و غیررسمی با مقامات دولتی، نقش اساسی در سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. در این زمینه، اندیشکده‌ها قادر به تعامل با سیاست‌مداران در سطوح مختلف حکومت هستند و از این طریق می‌توانند در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی تأثیرگذار باشند. به‌ویژه در مواردی که فرآیندهای قانونی و اجرایی نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق دارند، اندیشکده‌ها به‌عنوان منابع معتبر برای ارزیابی سیاست‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی شناخته می‌شوند. متغیر چهارم، متغیر جامعه است که به عواملی مانند جهت‌گیری‌های ارزشی جامعه، میزان وحدت ملی و سطح صنعتی شدن اشاره دارد. اندیشکده‌ها در این راستا با تولید گزارش‌ها و تحلیل‌ها، بر نگرش‌های عمومی و جهت‌گیری‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این اندیشکده‌ها با ارائه اطلاعات به رسانه‌ها و عموم مردم، به شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند. اندیشکده‌ها به‌ویژه در مواقع بحرانی و در شرایطی که نیاز به همبستگی ملی و ارزیابی مجدد سیاست‌های خارجی وجود دارد، نقش حیاتی در راهنمایی سیاست‌گذاران و شکل‌دهی به دیدگاه‌های عمومی دارند. آخرین متغیر، متغیر محیطی است که به شرایط خارجی و تحولات جهانی

اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری کشورهایی همچون بریتانیا، چین و روسیه می‌تواند تفاوت‌های ساختاری و عملکردی را آشکار سازد.

اشاره دارد. اندیشکده‌ها به‌عنوان نهادهایی که به تحلیل وضعیت جهانی و روندهای بین‌المللی می‌پردازند، نقش اساسی در راهبری سیاست‌های خارجی ایالات متحده دارند. آن‌ها با تحلیل شرایط اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین‌المللی، به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا در پاسخ به چالش‌های جهانی، سیاست‌هایی مناسب و مؤثر تدوین کنند. به‌ویژه در مواردی مانند بحران‌های جهانی یا تحولات مهم بین‌المللی، اندیشکده‌ها با ارائه راهکارهای مبتنی بر داده‌های علمی و اطلاعات دقیق، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند تا در انتخاب سیاست‌های مناسب برای مقابله با این تحولات موفق عمل کنند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها در ایالات متحده از طریق نقش‌های مختلفی که در فرآیند سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند، به‌طور مؤثر بر سیاست‌های خارجی این کشور تأثیرگذار هستند. آن‌ها با تحلیل دقیق شرایط داخلی و بین‌المللی، شناسایی منافع ملی، و ارائه راهکارهای عملی، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند تا سیاست‌های خارجی مؤثر و مبتنی بر واقعیت‌های جهانی را تدوین کنند. بنابراین، اندیشکده‌ها نه تنها به‌عنوان مشاوران علمی، بلکه به‌عنوان بازیگران کلیدی در فرآیند سیاست‌گذاری، نقشی بی‌بدیل در هدایت سیاست‌های خارجی ایالات متحده ایفا می‌کنند.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱- بررسی نقش مالی و منابع تأمین بودجه اندیشکده‌ها: آینده‌پژوهی در زمینه تأثیرات مالی بر جهت‌گیری سیاست‌های این مؤسسات می‌تواند در شفاف‌سازی وابستگی‌های سیاسی و ایدئولوژیک آن‌ها مؤثر باش..

۲- تحلیل تأثیرگذاری اندیشکده‌ها در سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری: بررسی نقش این مؤسسات در سیاست داخلی آمریکا، سیاست‌های اقتصادی، و امنیت داخلی می‌تواند درک عمیق‌تری از عملکرد آن‌ها ارائه دهد.

۳- مقایسه تأثیر اندیشکده‌ها در ایالات متحده با سایر کشورها: مطالعه تطبیقی در مورد نقش

Research and Policy in Development Programme

Inderjeet Parmar (2004). Think-Tanks and Power in Foreign Policy: A Comparative Study of the Role and Influence of the Council on Foreign Relations and the Royal Institute of International Affairs, 1939–1945. Palgrave Macmillan

Kingdon, J. (1984). Agendas, Alternatives and Public Policies. New York: Longman

McGann, James & R. Weaver (2000). Think Tanks and Civil Societies: Catalysts for Ideas and Action. Transaction Publishers

McGann, J. G. (2020). Think Tanks and Policy Advice in the US: Players and Influence in the Policy-Making Process. Routledge

Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2007). The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy. Farrar, Straus and Giroux

Medvetz, Thomas (2008). Think-Tanks in America. Unpublished book manuscript

Parsi, T. (2017). Losing an Enemy: Obama, Iran, and the Triumph of Diplomacy. Yale University Press

Pautz, H. (2012). Think-tanks, Social Democracy and Social Policy. London: Palgrave

Rosenau, J. (1971). The Scientific Study of Foreign Policy. New York: The Free Press

Saeki, K. (2004). Amerika no gai--

منابع

منابع فارسی:

-ادیانی، سید یونس (۱۳۹۶). نقش کانون‌های تفکر در نظام سیاسی آمریکا، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، شماره مسلسل: ۱۵۵۶۸.

-عسگری، محمود، آقاجانی، محمود (۱۳۹۰). نقش آفرینی اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۲.

-کریمی، عظیم، سلطانی، علیرضا (۱۳۹۹). نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی (مطالعه موردی انگلستان)، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال دهم، شماره ۱۴.

-معراجی، ابراهیم (۱۴۰۰). نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا، تهران، نشر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

منابع لاتین

Books

Abelson, Donald E. (2000). Do Think-Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes. Kingston and Montreal: McGill-Queen's University Press

Abelson, Donald E. (2016). Northern-Lights: Exploring Canada's Think Tank Landscape. Montreal and Kingston: McGill-Queen's University Press

Braf, C. (2014). How Think Tanks-Shape Social Development Policies. University of Pennsylvania Press. (Edited by James G. McGann, Anna Viden, and Jilian Rafferty

Hovland, Ingie (2004). Tools for Policy Impact: A Handbook for Researchers.

Simon, James (1998). Review of- Capturing the Political Imagination: Think Tanks and the Policy Process, by Diane Stone. Public Administration, .76(2): 409-10

Trump, Donald J. (2018). "Remarks- on the Joint Comprehensive Plan of Ac- tion." The White House. May 8, 2018

Pompeo, Michael R. (2018). "After- the Deal: A New Iran Strategy." U.S. De- partment of State. Remarks at The Her- itage Foundation, May 21, 2018

Dubowitz, Mark. (2017). "Building a- Wall of Sanctions: A New Iran Strategy." Testimony before the House Committee on Foreign Affairs, Subcommittee on the Middle East and North Africa. Founda- tion for Defense of Democracies. May .25, 2017

kō seisaku kettei kikō [The foreign pol- icy-making structure of the United States]. Tokyo: Japan Institute of Inter- national Affairs

Articles

Abelson, D.E. (2005). Do Think Tanks- Matter? Assessing the Impact of Public .Policy Institutes

Ahmad, Mahmood, Bakhsh Baloch,- Qadar (2019). BEHIND THE SCENE: The Contributions of Think Tanks in U.S. Pol- icy-Making. Qurtuba University of Sci- ence & IT, Peshawar, Pakistan

Haass, Richard N. (2002). "Think- Tanks and U.S. Foreign Policy: A Poli- cy-Maker's Perspective". U.S. Foreign Policy agenda, Volume 7, Number 3, .November 2002, P. 6

Kelly, J. M., & Marshall, A. (2009).- Think Tanks and Public Policy: A Study on Visibility and Influence. Canadian .Public Policy, 35(2), 219–234

Lux, Nicolas (2021). Foreign Policy- Think Tanks in Times of Crisis. SWP Jour- nal Review, 1 March 2021

McGann, James G. (2020). 2020- Global Go To Think Tank Index Report. .University of Pennsylvania

Rich, (2011). Think Tanks in Policy- Making – Do They Matter? Briefing Pa- per Special Issue | September

Shughart, W. F., & Carey, M. (1992).- The Evolution and Influence of Think Tanks in the US Policy-Making Process. PS: Political Science and Politics, 25(4), .733–740